

جشنیات ۳ روز مذاکرات ایران و عربستان درباره حج تمتع ۹۵

مخالفت ایران با صدور ویزای حج در کشور ثالث

صفحه ۴

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ ■ ۱۰ رجب ۱۴۲۷ ■ ۱۸ آوریل ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۸۶۲ ■ صفحه ۱۶صفحه ۱۰۰۰تومان

تیتراهای امروز

در رژه روز ارتش صورت گرفت

رونمایی از اس ۳۰۰

■ روحانی: امنیت کشور و منطقه مرهون ارتش سیاه و بسیج قهرمان است



صفحه ۲

درخواست پرداخت خسارت سیل‌زدگان از دولت

بی‌تدبیری در کنترل سد دز

صفحه ۴

عربستان: هر مجازاتی به نظر بگیرند به ایران نخواهیم رفت

تشدید جنگ فوتبالی عراق و سعودی

صفحه ۱۴

عربستان در پی پیوستن به توافق ننگین کمپ‌دیوید با اسرائیل

راز نیشخند صدامک در اردن

صفحه ۱۵

نگاه

دروغ داخلی، صداقت خارجی

ناگهان سیف!

- مهدی جابری

ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی در سخنان اخیر خود که با زبانی غیر از «فارسی» منتشر شد، درباره دستاوردهای برجام، از توصیف «تقریبا هیچ» بهره گرفته است.

اذعان سیف در مصاحبه با تلویزیون بلومبرگ بر این نکته که «برجام تاکنون تقریبا هیچ دستاورد اقتصادی برای تهران در بر نداشته است» نه‌تنها مهر تأییدی بر پیش‌بینی‌ها، انتقادات و تحلیل‌های دلسوزانه رسانه‌های منتقد داخلی است بلکه صحت «برد- برد» را از اساس زیر سوال می‌برد.

مقامات ارشد دولت یازدهم که در یک سال گذشته همواره رسانه‌های منتقد را به خاطر تحلیل‌های منصفانه و نقدهای خیرخواهانه به «بی‌سوادی» متهم می‌کردند و حتی از ابزار تهدید و هشدار بهره می‌گرفتند، این روزها به همان نتیجه‌ای رسیدند که ماه‌ها قبل تیترا اصلی رسانه‌های منتقد بود: «هیچ».

این مقامات ارشد اما امروز به نقطه‌ای رسیده‌اند که برای اعتراف دیرنگام به اشتباهات خود، دست به دامان رسانه‌های خارجی می‌شوند تا واقعیت‌ها، حقیقت‌ها و «است»های دولت راستگویان با «بان‌های بیگانه» منتشر شود! چراکه اگر کشورهای خارجی برای تحلیل میزان رضایت ایران از برجام به ترجمه یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها، نطق‌ها و گزارش‌های مقامات دولتی ایران و رسانه‌های حامی دولت بپردازند، نهایت به این نتیجه می‌رسند که:

Everything is calm. I'm too happy!

اما دولت یازدهم که تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد «۵+۱» گذاشته است و نرخ تورم و آمار بیکاری را بر مبنای همین به‌علاوه و فرمول نادرست و ناعادلانه می‌سنجد امروز برای کاهش قیمت‌ها، عبور از رکود، کاهش نرخ تورم و ایجاد اشتغال چاره‌ای جز اعتراف به واقعیت‌ها ندارد؛ آن هم اعتراف برای شبکه‌هایی که صدای او را به «انگلیسی» ترجمه و منتشر می‌کند تا شاید مردم ایران متوجه واقعیت‌های تلخ نشوند! So far, Iran has gotten “almost nothing” from the accord.

اکنون سؤال این است: چرا آنچه مقامات ارشد دولت در تریبون‌های بیگانه بر زبان جاری می‌کنند، تفاوت واقعیت‌های تلخ نشوند! رسانه‌های داخلی دارد؟

ادامه در صفحه ۵

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

■ ۱۱۷۷سال و ۱۲۰روزگذشت



عکس ابراهیم جدیری، وطن امروز

وزیر نفت: اگر مانع افزایش تولید نفت ایران شوند یعنی در لغو تحریم‌ها هیچ اتفاقی نیفتاده است

اما و اگر

صفحه ۳

پشت پرده تحولات حقوق بشری

- مجتبی اصفری

برای کنگره و سنار ارسال کرده است و بعید نیست کنگره نیز مطابق رویه گذشته تحریم‌های جدیدی بر گزارش حقوق بشری دولت اوباما استوار کند. اما سند حقوق بشری ضدابیرانی وزارت خارجه آمریکا با بودجه کدام نهادها و مراکز تهیه و تنظیم شده است؟

■ **خائنان ایرانی تبار**

۱- یکی از منابع مورد استناد وزارت خارجه آمریکا در این گزارش، «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» است که تأمین مالی آن را وزارت خارجه آمریکا و دولت کانادا بر عهده دارند و وزارت اطلاعات کشورمان در سال ۱۳۸۸ آن را یکی از ۶۰ «هوسسه خارجی فعال در اغتشاشات» معرفی کرد.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران توسط دختران «عبدالرحمن برومند»، رئیس هیأت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران با گرایش سیاسی ضدجمهوری اسلامی ایران و سابقه حمایت از بختیار اداره می‌شود که براساس اسناد رسمی موجود ارتباط زیادی با تشکیلات هلندی ضدايران وابسته به بودجه اتحادیه اروپایی دارد و بخشی از بودجه رسمی آن نیز توسط «NED» یا «صندوق کمک ملی برای دموکراسی» تأمین می‌شود. ۹۰ درصد بودجه مالی «NED» را نیز کنگره آمریکا تأمین می‌کند!

۲- از دیگر شرکای دولت آمریکا در پرونده‌سازی حقوق بشری ضدايران می‌توان به سازمان امنیتی «نایاک» اشاره کرد که رابطه‌ای دوسویه با کنگره و کاخ سفید دارد و در مذاکرات منتهی به برجام میان ایران و آمریکا نیز نقش واسطه مورد اعتماد هیأت ایرانی و آمریکایی را برعهده داشته؛ به نحوی که عکس‌های وزیر امور خارجه کشورمان در شرایط غیررسمی به واسطه حضور مداوم مدیران نایاک در اقامتگاه حساس و با درجه امنیتی حداکثری ظریف و همکاران، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد!

■ **تأیید افشاکاری وطن**

«تریتا پارسی»، مدیر و موسس نایاک هفته گذشته در گفت‌وگو با برنامه «به عبارت دیگر» شبکه بی‌بی‌سی فارسی، با تأیید گزارش‌های قبلی «وطن امروز»، اعتراف کرد مدیریت «کمپین تعیین نخستین گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل» برای ایران را نایاک برعهده داشته است. سازمان مورد حمایت «برژنسیسکی» و «گری سیک»، پرونده‌سازی ضدايران در حوزه حقوق بشر را به صورت مستقیم از سال ۲۰۰۹ با فعال ساختن مدیران قدیمی خود «هادی قائمی» و «دخی فصیحیان»، در سازمان‌های ضدايرانی و سازمان ملل آغاز کرد. «مرکز اسناد حقوق بشر ایران»

عمران سازمان ملل، دپارتمان توسعه فراملی انگلیس (DFID)، وزارت خارجه آمریکا، NED و پارلمان هلند و... تغذیه مالی می‌شود. ارتباط تشکیلات همیاران با وزارت خارجه آمریکا به حدی زیاد بود که در دوره‌ای که ویزای سفر به آمریکا حتی برای دیپلمات‌های ایرانی صادر نمی‌شد، مبادله «مربی» برای آموزش به مجموعه سمن‌های تحت مدیریت نمازی، با واسطه‌گری نایاک میان وزارت امور خارجه ایران و ایالات متحده به سادگی صورت می‌گرفت! «سیامک نمازی» نیز در دوره‌ای که ایران به پاتوق متخصصان انقلاب مخملی اندیشکده‌هایی همچون «وودرو ویلسون» تبدیل شده بود دوره ویژه کارروزی را به مدت ۲ سال در NED گذراند و سپس مجیز به نسخه‌های ضدايرانی باوابستگی به گروه‌های مختلفی همچون «منافقین»، «بهاییان»، «سلطنت‌طلبان» و... را موجب هدررفت بودجه چندصد میلیون دلاری دولت آمریکا ضدايران می‌دانند. براساس همین هدف‌گذاری با چراغ سبز دولت «اوباما» موفق شدند مدیریت بر بودجه سازمان‌های ضدايرانی را عهده‌دار شده و در تجمیع داده‌سازی‌ها ضد کشورمان، به بازیگری کلیدی تبدیل شوند. هر چند این سیاست‌گذاری هوشمندانه از سباز دلالی همچون «تریتا پارسی» بسیار بزرگ‌تر است و آمریکا این روند را مدیون شخص برژنسیسکی است که تنها پرونده شکست‌خورده عمر حرفه‌ای خود را وقوع «انقلاب اسلامی در ایران» معرفی کرده است.

■ **نفوذادامه‌دار شبکه نمازی‌ها**

۳- در کنار مراکز فعال خارجی، شبکه سازمان‌های وابسته به «همیاران غدا» با بنیانگذاری «باقر نمازی» و معاون اردکانی وزارت بهداشت در دوره «هاشمی‌فرسنجانی» نیز نقش مهمی در داده‌سازی حقوق بشری ضد کشورمان داشته و دارند. از جمله این موارد می‌توان به چند سازمان فعال در حوزه به اصطلاح حقوق کودکان و زنان اشاره کرد که نفوذ گسترده بهاییان در آنها مشهود است و در اجلاس کمیسیون مقام زن نیویورک نیز گزارش‌های ضدايرانی آنها در سکوت مسئولان دولت یازدهم - مولاوردی و همکاران- بسیار مورد توجه قرار گرفت.

این شبکه هم‌اکنون با هدایت نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل و با مشارکت شهرداری و یکی از اعضای شورای شهر که از ارتباطات نزدیکی با «علیرضا امیندوار»، عضو هیأت‌مدیره آتیه بهار نمازی‌ها برخوردار است، مدیریت پروژه بازمهندسی مطالبات اجتماعی ایرانیان را با هدف فعالسازی جنبش‌های «حقوق بشری» از داخل ایران، عهده‌دار است.

شبکه باقر نمازی بنا بر اسناد منتشرشده در گزارش‌های قدیمی همیاران غدا، از طریق دفتر اسناد و مدارک آشکار به‌دست آمده از منابع رسمی، برعهده دولت آمریکا و متحدان اروپایی آن است. این تنها بخشی از مستندات ادامه دشمنی و خصومت‌ورزی هیأت حاکمه آمریکا با ایرانیان و حکومت مردمی آنهاست. مستنداتی که برخی سیاستمداران فرگیرا در دوره پیش از توافق نادیده گرفتند و اسیر سیاست مزورانه دوگانه «امریکا صلح‌طلب» و آمریکای جنگ‌طلب» -ساراک اوباما شدند و اکنون در بنبوحه اجرای سیاست «اعتماد به کدخدا» از تحلیل علت نقض عهد اوبامای مودب و باعوش عاجزند.

در رسانه‌های حامی دولت صورت گرفت

بایکوت خبری سیف

صفحه ۲

میلاد موفور السروور ابن الرضا حضرت جواد الائمه علیه‌السلام را شادباش می‌گوییم.

یادداشت امروز

تقریبا همان «هیج»

- دکتر محمدرضا مهدیار اسماعیلی

«سوئیفت» باز است اما کار نمی‌کند! این جمله به عقیده من چلانده‌شده تمام ابعاد مذاکرات هسته‌ای است.

امروز در شرایطی هستیم که هم‌زمان هم می‌توانیم از اتاق سوئیفت دیدن کنیم تا یقین کنیم که سوئیفت باز است و هم گلابه عالی‌ترین مقام پولی کشور را از تعطیل بودن سوئیفت در ایران در اجلاس بهاره بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بشنویم.

این یادداشت بنا دارد یک تصویر هوایی از این واقعه را ترسیم کند تا ابعاد موضوع روشن شود.

برای آنکه بدانیم چرا ایران نمی‌تواند از سوئیفتی که باز است عبور کند، لازم است ساختار معاملات در سوئیفت روشن شود. طبق قانون جدید مبادلات بین‌المللی، تنها نهادی که در هر کشور می‌تواند طرف حساب سوئیفت باشد، عملاً بانک مرکزی آن کشور است. اگرچه در ظاهر بانک‌های تجاری خصوصی و دولتی هستند که با سامانه سوئیفت کار می‌کنند اما کلید ورود این بانک‌ها، تأیید بانک مرکزی ایران به دروازه جهانی سوئیفت و تعهد تأمین اتکابی بانک مرکزی نسبت به هر بانکی است که قرار است کاربر دروازه سوئیفت شود. خب! تا اینجا شاید قضیه چندان مشکل به نظر نرسد. برای ما که به بخشنامه و نامه‌های ایجابی عادت داریم، خیلی راحت به نظر می‌رسد که مثلاً بانک مرکزی یک نامه ایجابی به دروازه سوئیفت بزند و به آنجا ابلاغ کند که «بلامانع است. سریعاً اقدام شود».

حقیقت آن است که مساله به این سادگی که ما پنداشته بودیم نیست و بانک‌های ایران برای رفع قفل شدن باید استانداردهایی را پاس کنند که رعایت آنها به اعلام ورشکستگی قطعی نیمی از بانک‌ها منجر خواهد شد. این اعلام ورشکستگی البته نه به آن معناست که ورود به سوئیفت آنها را قرار است ورشکسته کند بلکه به معنای آن است که ورشکستگی پیشین آنها که تا امروز به مدد عدم شفافیت مالی پوشیده مانده بود نمایان خواهد شد. البته اینجا هم ممکن است تفکر بخشنامه‌ای و ابلاغیه مجدد غلبان و چنین راهنمایی کند که با یک ابلاغیه بانک مرکزی را متعهد کنیم که دیون این بانک‌ها را نیز مانند موسسه «ناتمل الحجج» به عهده بگیرد تا مشکل سوئیفت حل نیز شود! اما اینجا دیگر نه حساب یک بانک و ۲ بانک است و نه حساب یک روز و ۲ روز.

ما می‌پذیریم که اقتدرها هم مشکل عدم کارکرد سوئیفت تقصیر بانک مرکزی کشور نیست. اگرچه به بانک مرکزی اکنون نقدهای متعددی وارد است اما پیرامون موضوع سوئیفت امکان همدردی با بانک مرکزی وجود دارد، لذا خروج از ایران به واسطه فعالیت گسترده ضد نظام در فتنه ۸۸ در نایاک و NED و وودرو ویلسون به عنوان تحلیلگر ارشد و عضو هیأت‌مدیره، به کار گرفته شدند.

■ **خصومت‌ورزی رسمی آمریکایی**

با احتساب این موارد به نظر می‌رسد نقشه اتحاد مراکز حقوق بشری ضدايرانی فعال در خارج کشور هم‌زمان با ایجاد اتصال میان آنها و بخش فعال در داخل با همکاری و مدیریت نایاک به نیابت از دولت آمریکا، در حال تکمیل است و بزودی شاهد وضع تحریم‌های گسترده حقوق بشری ضدايران هم‌زمان با تحریک سمن‌های سازماندهی‌شده برای فشار به نظام با هدف ایجاد «تغییر از درون» خواهیم بود.

نقشه هوشمندانه‌ای که کمترین هزینه آن بازگشت باقر و سیامک نمازی به ایران به جهت بازگشایی مسیر ورود سرتیم‌های جدید به کشور می‌تواند باشد. به این ترتیب که مهره‌های سوخته هزینه می‌شوند تا دستگاه امنیتی توان چانه‌زنی و درگیری خود برای دستگیری چهره‌های جدید با رزومه پاک را از دست بدهد.

هزینه همه بخش‌های «پروژه تغییر» به اذعان اسناد و مدارک آشکار به‌دست آمده از منابع رسمی، برعهده دولت آمریکا و متحدان اروپایی آن است. این تنها بخشی از مستندات ادامه دشمنی و خصومت‌ورزی هیأت حاکمه آمریکا با ایرانیان و حکومت مردمی آنهاست. مستنداتی که برخی سیاستمداران فرگیرا در دوره پیش از توافق نادیده گرفتند و اسیر سیاست مزورانه دوگانه «امریکا صلح‌طلب» و آمریکای جنگ‌طلب» -ساراک اوباما شدند و اکنون در بنبوحه اجرای سیاست «اعتماد به کدخدا» از تحلیل علت نقض عهد اوبامای مودب و باعوش عاجزند.

ادامه در صفحه ۵